

«جایگاه محمد (ص) و چگونگی شناخت محمد (ص) و به
چه نام شناختن محمد (ص)»

محمد (ص) در هفت طبقه آسمان:

آسمان دنیا: مجتبی

آسمان دوم: مرتضی

آسمان سوم: مزکی

آسمان چهارم: مجیب

آسمان پنجم: محب

آسمان ششم: مطهر

آسمان هفتم: مقرب

طبقات زمین:

زمین اول: سجاد اعظم

زمین دوم: سجل

زمین سوم: محب

زمین چهارم: مشرف

زمین پنجم: طاهر

زمین ششم: امین الله

زمین هفتم: نورالله

درکتاب مقدس:

در انجیل: طاب طاب، فارقلیط

در زبور: عاقب

در صحف: روحا

در تورات: اولیا، آخریا، ضحوک، مثقح، احیدا، ماذ ماذ،
مختار، روح الحق و مقیم

محمدرسول الله

نزد کروبیان: مختار

نزد روحانیان: مکرم

در اوراق شجره طوبی: صفوه الله

در ساق عرش: حبیب الله

در کرسی: رسول الله

در لوح محفوظ: صفی اللہ

در لوا الحمد: خیرہ اللہ

نزد ملائکہ: عبدالمجید

نزد انبیا: عبدالوہاب

نزد شیطان: عبدالقہار

نزد جن: عبدالرحیم

نزد سواکن جبال: عبدالخالق

نزد سواکن قفار: عبدالقادر

نزد سواکن بحار: عبدالقدوس

نزد ہوام ارض: عبدالغیاث

نزد وحوش: عبدالرزاق

نزد صباح: عبیداللہ

نزد بہایم: عبدالمومن

نزد طیور: عبدالغفار

نزد اللہ: عبد اللہ است

«بر گرفته از رساله خطی درة التاج منصوری از مجموعه رسائل خطی دودمان جلالیان»

نور خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها رحمانیت و رحیمیتش زیاد است.

نور امیرالمومنین علیه السلام نوری متفاوت است از جنس سرخ لعل سامری یا لعل بدخشان هست. جلالی هست. چه در نگاه و فیوضات عام و چه خاص.

امام حسن مجتبی علیه السلام نورش سبز متمایل به زرد همچون وسط کاهو هست نگاهشان ساکت و ساکنه دردی همراه با سکوت و پدیده ی آرامش را در فیض اصلیش داره همان خودشناسی یا چرخش به خود.

امام حسین علیه السلام هم نورشان سرخ و سبز و سیاه هست داخل حدید صینی اصل را اگر بشکافی از بیرون رنگ خاکستری دارد اما در باطن این سه رنگ هست جنون عشق الهی جدال با خود و با اهل نفاق و با دشمنان ستیزه کردن و سخت گرفتن بر خود و یکباره قیامی عظیم کردن است.

دقیقا باید دل سنگ رو در معرض آفتاب یا نور شدید بگیری
نوری از درونش ساطع می‌شود و میتوانی رنگ اصلی را درک
کنی.

اما امام سجاد علیه السلام رنگشان سبز سیدی یا کمی کله
غازی هست و اوج گیری دردها در اندرون تا فروشستن از
هر کار پوچ و بی هدفی دنیایی و چرخش از سمت دنیا به
سمت خیزش برای سلوک را باعث می‌شود. همچنین
نگاهشان موجب حرکت می‌شود برای عبودیت خداوند.

امام باقر علیه السلام نورشان سبز روشن با سفید هست
البته این الوان در میان اعراب نام دارند و شاید یک روزی
شما دیدی گفتی زرد متمایل به سفید است. من آنچه به
مشاهده من درآمده را می‌گویم که درحد من است شاید
شما روزی بیشتر از شخص من لمس کنی تجلی اش را
رویت کنی و درصدی خطای انسانی را همیشه مد نظر داشته
باش. رحمت عام و خاصش (نور امام باقر علیه السلام)
موجب دانش می‌شود حالا حتما منظور این نیست که اهل
علم بشوی. در پدیده‌ها خدا را می‌بینی نگاهت خدایی
می‌شود علمت به آنچه که داری خداگونه می‌شود عمیق تر
می‌شود موشکافانه تر به پدیده‌ها نگاه میکنی.

در سالی همه چیز منطبق با احوالات خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها است وقتی نگاه ایشان بتابد وضع معنوی برای مستعدین ظرف باز می‌کند چرا چون نگاه ایشان خاص تره نور کل معصومین را در خودش دارد با ظرف استعداد شخص جذب راه و مسیر می‌شود، مذهبی می‌شود، شدت ایمان مذهبیون (افراد مذهبی) بیشتر می‌شود ترقی روحی پیدا می‌کنند. اما در گردش اربعین به روی امیرالمومنین علیه السلام ناخالصی‌ها و شل و ول بودن‌های کسی که فرصت دانه برای خدا برخیزد و تاکنون پا نشده در فهمش انقلاب شده اما در عملش و دلش قیامی نشده پرت می‌شود. ممکنه چنین فردی سالها از دین و مذهب دور بشود حالا آیا معصوم دیگری در سالی نگاهش با اندک ظرف وجود آن فرد همخوانی داشته باشد یا نه؟ آیا دستش گرفته بشود یا نه؟ اینطور نیست کسی که توبه میکند یک دفعه ای دیندار بشود. قطعا اگر از نظر باطنی بررسی بشود از پرتو نور یک ولی بهش نظر شده دوباره دستش را گرفتند. رحمت عام بوده اما از دور بهش نور رحیمی تابیده شده و گرنه محاله شخص بتواند -بدون توفیق معصومین- از جاش حرکت کند.

در اربعینات هم اینگونه است بین اربعین انبیا و چهارده معصوم تطابق وجود ندارد یعنی اینگونه نیست که هر نبی الهی اربعینش در هر سال دقیقا منطبق با یک معصوم خاص بشود. شده در دو سال با احوال امام سجاد علیه السلام منطبق بوده است. یا دیده شده وضعیت نوری که میاد پایین با نور رسول الله صلوات الله علیه منطبق است.

مثلا نور رحمانی امام زمان عجل الله که پایین می‌آید جو زمین آماده ظهور می‌شود افکار و دل‌ها صفا می‌شود. می‌شود. آدم‌هایی هستند که اهل دنیا بودند. اما دلشون زنده بود در آن سال یک دفعه متوجه امام زمان می‌شوند. خودشان هم نمی‌دانند منشاش کجاست؟!

حتی طرف دیندار نیست شناختی از معصوم ندارد اما خودش نمیداند چرا یک دفعه ای تو کشور دیگه هست حس و حالش مهدوی شده

در آن سال‌ها. خب علتش این است که نگاه عام و خاص آن معصوم در آن سال بر زمین و دل‌های مومنین بیشتر است. به عامه نگاه رحمانی به خاصه نگاه رحیمی می‌اندازد و ارزش فیضی شامل حال‌ها می‌شود. حالا برای افراد خاص در درجه‌های مختلف میتواند این فرق داشته باشد.

تلمیذ: در ادامه از ایشان در مورد سلوک آیت الله قاضی و بعضی دستورات بجا مانده از ایشان پرسیده شد؟

استاد: آیت الله قاضی سلوکش خاص خودش بود و شاگردی دقیقا به نوع سلوک خودش تربیت نکرد. با توجه به ظرفیت‌ها دستورات متفاوت می‌دادند. چهار تا از شاگردانشان یک سری دستور از ایشان دارند و پنج تا چیز دیگری دارند و خودش هم اهل فن، می‌دانند بعضا چیز دیگری انجام می‌داد. نه که دیگران مستعد نباشند بلکه ظرفیت وجودیشان فرق داشت. شما در دیس برنج نمیتوانی خورشت بریزی! کسی که ظرفش خورشت است باید درش خورشت بریزی و کسی که دیس پلو هست باید روش افقی کار کنی

ظرفیت صعود را آنچنان ندارد. در درجه ی خودش رشد عرضی می‌کند نه طولی

بعضی از مردم در نهایتا یک رتبه و دو سه رتبه رشد می‌کنند اما چون عشق و عملشون بالاست میتوانند به رشد عرضی برسند یعنی مثل بوته توت فرنگی هستند در درجه ظرف خودشون رشد عرضی دارند.

یک شاخه توت فرنگی بکار کل زمینت توت فرنگی میشه یا مثلا ظرف کسی پنج درجه هست آهسته به رشد می‌رسد مثل درخت مو هست درخت مو هم رشد طولی نداره نگاه کن رشدش عرضی است تا یک کم بالا می‌آید و بعد همه جا را می‌گیرد. بعضی‌ها هم استعداد ندارند یا ظرفشان کم هست می‌بینی هر چه درش بریزی نمیتواند رشد چندان کند.

اینکه الان اگر عمری باشد من همه را به اربعین با خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها دعوت میکنم اما در زمانی که نور امیرالمومنین علیه السلام بتابد میگم هر کس ننشیند چون ناخالصی داشته باشی ممکن است پرتاب بشوی.